

[تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص 1](#_Toc95679620)

[تصحیح مطلبی از تقریر کلام مرحوم صدر 1](#_Toc95679621)

[اشکال استاد به مرحوم صدر 2](#_Toc95679622)

[اصل بحث 2](#_Toc95679623)

[قاعده میرزائیه 2](#_Toc95679624)

[اشکال مرحوم خویی بر قاعده میرزائیه 3](#_Toc95679625)

[اشکال استاد به مرحوم خویی 3](#_Toc95679626)

[تحلیل عرفی 3](#_Toc95679627)

[تحلیل فنی مطلب 4](#_Toc95679628)

[اشکال فرمایش مرحوم نائینی و مشهور به روایت مسعده 4](#_Toc95679629)

**موضوع**: قلعده میرزائیه /تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص /عام و خاص

# تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص

## تصحیح مطلبی از تقریر کلام مرحوم صدر

کلمه ای در مورد فرمایش مرحوم صدر باقی مانده است. این مطلب را تصحیح می­کنیم. ایشان در قضایای خارجیه که تطبیق به دست مولا است، ادعا کرد تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص منفصل جایز است. اگر خود مولا تطبیق کرده است، نه به مجرد این که قضیه خارجیه است بلکه چون که مولا خودش تطبیق کرده است و شک داریم که فلان عالم وجوب اکرام دارد یا نه، شاید مولا او را واجب الاکرام نداند، در این جا عقلاء و عرف می­گوید خودش تطبیق کرده است و همه باید اکرام بشوند.

ایشان فرموده است: شرط سوم این تمسک این است که ما علم به خروج فردی از افراد نداشته باشیم. این مطلب را ظاهرا بد گفتیم. ما گفتیم: یعنی علم به خروج یکی تفصیلا نداشته باشیم. ایشان می­گوید اگر یقین داریم زید بن بکر وجوب اکرام ندارد، تمسک جایز نیست در حالی که مراد ایشان این است که علم به خروج یکی اجمالا داشته باشیم. نه تفصیلا. یکی از این افراد که دشمن سر سخت مولا است، یقینا خارج است. هر چند عام است ولی من میفهمم مولا چه می­گوید و یقینا دشمنش را قصد نکرده است. بعد شک می­کنیم که آن یکی همان زید بن بکر است یا نه، مثلا در انطباق شک داریم، در این جا تمسک به عام جایز نیست.

### اشکال استاد به مرحوم صدر

به نظر ما این مطلب مجوز نمی­شود که نسبت به مشکوک رفع ید کنیم. اگر به آن شخص یقینا رسیدیم اشکالی ندارد و یقین حجت است و الا به نظر می­اید به خاطر این که خودش تطبیق کرده است می­توان به عام تمسک کرد.

همان طوری که اگر شک بدوی داشته باشیم می­توان به عام تمسک کرد بعید نیست در جایی که علم اجمالی به خروج یکی داریم، به عام تمسک می­کنیم و اگر اکرام نکنیم و بعد معلوم شود که وجوب اکرام داشته باشد، عذر پذیرفته نیست.

خلاصه: هر کجا قضیه خارجیه شد و خود مولا تطبیق کرد، تا یقین تفصیلی به خلاف پیدا نکنیم، عام شامل آن می­شود.

## اصل بحث

بحث به این این جا منتهی شد که تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص نادرست است. عرفا همان طور که خاص مشکل دارد و ترجیحی ندارد همچنین تمسک به عام در نظر عرف ناتمام است.

بعضی قاعده دیگری را جایگزین کرده است. مرحوم سید یزدی قاعده مقتض و مانع را مطرح کرد. ما گفتیم در خیلی از موارد صغری ندارد و در همه موارد کبرای آن حجیت ندارد. در باب استصحاب خواهد آمد.

## قاعده میرزائیه

مرحوم نائینی قاعده دیگری جایگزین تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص کرده که معروف به قاعده میرازئیه شده است. اگر عامی که الزامی است داشته باشیم مثل لا یدخل علیّ احد. بعد گفت الا صدیقی. تخصیص ترخیصی آمده است. متفاهم عرفی در این جا این است که مشکوکات را باید احتیاط کرد و به حکم عام باید عمل شود. نسبت به شخصی شک داریم صدیق هست یا نه، مرحوم نائینی گفته است به لا یدخل علیّ احد باید عمل کرد.

متفاهم عرفی در این جا دو حکم است: یکی حکم واقعی است که آن جواز دخول برای صدیق واقعی است و یک حکم ظاهری که مشکوک الصدیق مجرای احتیاط است و به حکم عام عمل می­شود.

در فقه امثله زیادی دارد. مثلا دلیل می­گوید آب با ملاقات با نجس، نجس می­شود. اصالة النجاسة در ملاقی. نجس یک حکم الزامی است چرا که حرمت شرب می­آورد. بعد یک مخصصی وارد شد. الا اذا بلغ الماء قدر کرّ. اطلاقات انفعال حکم الزامی است و اگر به حد کرّ باشد حکم ترخیصی است.

مرحوم نائینی فرموده است: از جمع بین این دو خطاب دو حکم استفاده می­شود. یک حکم واقعی که کرّ واقعی معتصم است. دیگر کرّ مشکوک است که باید احتیاط کرد و احکام انفعال را باید مترتب کنیم. ایشان می­گوید: در حقیقت وقتی فرمود: آب با ملاقات نجس می­شود مگر این که کرّ باشد معنایش این است که اگر احراز کریت شد پاک است. استنثا را بر احراز و علم حمل کرده است.

ایشان ادعا کرده است این که مشهور در شبهات مصداقیه یک فتاوایی دارند که فتوا طبق عام است از باب تمسک به عام در شبهه مصداقیه نیست چرا که واضح است این تمسک اشتباه است بلکه نکته آن همین قاعده است. هر چند که این قاعده را بیان نکردند ولی در ارتکاز آنها همین مطلب بوده است.

### اشکال مرحوم خویی بر قاعده میرزائیه

مرحوم خویی در مصباح الاصول اشکال کرده است. یعنی یک خطاب خاص نمی­تواند دو حکم را بیان کند. هم حکم واقعی و هم حکم ظاهری. ما از مرحوم نائینی سوال می­کنیم: موضوع اعتصام چیست؟ اگر احراز است، یا می­گویید این خطاب حکم واقعی را بیان می­کند مع ذلک موضوع آن احراز است، اشتباه است. زیرا موضوع احکام واقعیه ذوات اشیاء است و احراز دخالت ندارد. نمی­شود احراز قید حکم واقعی باشد. اگر می­گویید احراز موضوع است و این استثنا حکم ظاهری را بیان می­کند، خلاف ظاهر است. ظاهر الماء اذا بلغ قدر کر لم ینجسه شیئ، حکم ذات آب را بیان می­کند نه محرز الکریة.

در تتمیم این اشکالدیگران گفته اند اگر بخواهد هم حکم واقعی و هم حکم ظاهری را بیان کند، صحیح نیست چرا که حکم ظاهری در طول حکم واقعی است.

#### اشکال استاد به مرحوم خویی

##### تحلیل عرفی

به نظر ما فرمایش مرحوم نائیین دور از ذهن نیست. ابتدا از عرف شروع می­کنیم. در عرف همین حرف مرحوم نائینی درست است. اگر گفت: لا یدخل علی احد الا صدیقی. اگر مشکوک را اجازه ورود بدهد و بعد معلوم شد که عدو مولا است، بلا اشکال مولا می­تواند او را عقاب کند. اگر بگوید شک داشتم مولا می­گوید باید احتیاط می­کردی.

ان قلت: استحقاق عقوبت از باب اصل است. یعنی اصل عدم صدیق بودن است.

قلت: این مطلب عرفیت ندارد مولا به همین خطاب تمسک می­کند و مواخده می­کند، نه به اصل. عرف هم به همین خطاب تمسک می­کند.

##### تحلیل فنی مطلب

در جایی که تخصیص بر حکم الزامی وارد می­شود مثل مثال لا یدخل علی احد الا صدیقی، به نظر می­اید مردم الا اذا علمت انه صدیقی می­فهمند. مثل این که از اول گفته است: الا اذا احرزت انه صدیقی. از این خطاب دو حکم به دست می­آید. یک حکم واقعی است چرا که علم طریقیت دارد و صدیق واقعی جواز دخول دارد. دیگر بیان زائدی دارد (اذا علمت) یعنی اگر شک داشته باشیم نمی­توانیم ظاهرا اجازه دخول بدهیم.

این که مرحوم خویی می­فرماید ایا احراز جزء است یا نه، می­گوییم نسبت به حکم ظاهری جزئیت دارد ولی نسبت به حکم واقعی جزئیت ندارد.

این که حکم ظاهری در طول حکم واقعی است، منظور حکم ظاهری فعلی در طول است اما جعل ها که در طول هم نیستند. مولا می­تواند هر دو را در عرض هم جعل کند. وجهی ندارد که جعل در طول باشد. اصلا ممکن است اول حکم ظاهری را جعل کند. امور اعتباریه به ید معتبِر است. با همین خطاب دو مطلب را ابراز می­کند.

بله؛ این که مرحوم نائینی فرمود قاعده مذکور در ذهن مشهور بوده، نمی­توانیم تصدیق کنیم. بیش از این در کلمات مشهور ثابت نیست که از مذاق شریعت استفاده می­شود در دما و فروج احتیاط می­کنند. در دما واضح است که احتیاط می­کنند من قتل مومنا متعمدا فجزائه جنهم. نسبت به فروج هم خیلی شارع اهتمام داشته است. مثلا زن و مرد اجنبی اگر جمع بشوند ثالث آنها شیطان است. در نکاح هم دارد که مواظبت داشته باشد چرا که منه ولد مطرح شده است. این موارد لعل سبب شده است که کشف بشود مذاق شریعت در دما و فروج احتیاط است.

خلاصه: نائینی می­گویند احتیاط را از خود خطاب استفاده کردند ما می­گوییم بعید است اگر بود لا اقل یک نفر می­گفت.

##### اشکال فرمایش مرحوم نائینی و مشهور به روایت مسعده

مشکل فرمایش مرحوم نائینی فقط روایت مسعده است. هکذا مشکل فرمایش مشهور که در درما و فروج احتیاط می­کنند روایت مسعده است. این روایت ازادی را مطرح کرده است. اصل در اشیا حلیت و ازادی است حتی در شبهات موضوعیه که مرحوم نائینی مطرح می­کند. یکی از انها این است: اختک او رضعیتک. ما دلیل داریم که نظر حرام است مگر این که اخت باشد. این یک حکم ترخیصی است که وارد بر مطلقات شده است. روایت مسعده می­گوید نظر به مشکوک اشکالی ندارد. یا عامی مثل لا یحل مال امرئ الا عن طیب نفسه که روایت مسعده در مشکوک، ازادی را مطرح می­کند.

ان قلت: از مورد رفع ید می­کنیم.

قلت: روایت قاعده کلیه مطرح می­کند. الاشیاء کلها علی ذلک.

اگر جواب روایت مسعده را دادیم کلام مرحوم نائینی تمام است. ادامه بحث در جلسه آینده.